

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۶/۰۷/۱۶

موضوع: علم غیب پیغمبر اکرم و ائمه اطهار از منظر علمای شیعه و اهل سنت

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام حضرت دوست که در سینه‌ها زلال محبت اوست

سلام و صلوات عرشیان و فرشیان بر خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی و اهل بیت پاک و نورانش.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

اهالی «شبکه جهانی ولایت» و همراهان خوب و دوست داشتنی برنامه زنده «حبل المتین». خدمت شما سلام عرض می‌کنم، شب شما بخیر و خوشی و سلامتی باشد.

ان شاء الله عزاداری‌هایتان در این شب‌ها و روزها مورد قبول مولایمان و اربابمان حضرت سیدالشهدا قرار گرفته باشد. امشب هم در خانه‌هایتان آمدیم تا این برنامه را تقدیم کنیم و خیلی خوشحال می‌شویم که شما هم مثل همیشه همراهی خودتان را با ما داشته باشید.

همین ابتدای برنامه راه‌های ارتباطی برای شما زیرنویس می‌شود. سامانه پیام کوتاه ما «۳۰۰۰۱۲۰۳» و همچنین شماره‌ای که از طریق واتس‌آپ، تلگرام و وایبر در فضای مجازی می‌توانید با ما مرتبط باشید.

دوستانی که در ایران اسلامی هستند و عزیزانی که در خارج از کشور هستید با افتخار پیام‌های شما را دریافت می‌کنیم تا ان شاء الله اگر فرصتی شد حتماً در طول برنامه بخوانیم. اگر سؤالی هم دارید با افتخار پاسخگوی سؤالات شما از همین طریق هستیم. ضمن اینکه مثل همیشه بخشی از برنامه به پاسخ سؤالات تلفنی شما به صورت زنده تعلق خواهد گرفت.

موضوع برنامه «حبل المتین» در این هفته نیز مانند هفته‌های گذشته علم غیب است و خوشحال می‌شویم که سؤالات شما را در این زمینه دریافت کنیم.

امشب هم در محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی استاد عزیز و گرانقدرمان هستیم و ان شاء الله امشب می‌خواهیم با ایشان گفتگو کنیم. جناب استاد سلام علیکم و رحمة الله؛

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی در هر جای این گیتی پهناور، خالصانه‌ترین سلام‌ها را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه گرامیان را از خداوند منان خواهانم. خدا را به آبروی حضرت محمد و آل محمد سوگند می‌دهم فرج مولایمان حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما و شما گرامیان را از یاران خالص و مخلص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد. از خداوند متعال می‌خواهیم دغدغه‌های فکری همه ما و شما را برطرف سازد، حوائج ما را برآورده کند و دعاهایمان را به اجابت مقرون کند؛ ان شاء الله.

### مجری:

ان شاء الله، خیلی ممنون و سپاسگزار هستم. استاد در هفته‌های گذشته برنامه زنده «حبل المتین» موضوعی را با عنوان «علم غیب» مورد بحث و بررسی قرار دادیم و حضرتعالی به نکاتی در این زمینه اشاره فرمودید. همانطور که می‌دانید و عزیزان بیننده ما هم مطلع هستند، شبکه‌های شیطانی وهابی صهیونیستی دائماً شبهاتی را مطرح می‌کنند و موضوعی که مورد بحث بوده عدم اطلاع پیامبر گرامی اسلام بر علم غیب است.

ادعای وهابیت این است که پیامبر علم غیب نداشتند و اطلاعی هم از علم غیب نداشتند. حضرتعالی نکاتی در این زمینه فرمودید. حال خلاصه‌ای از مطالب جلسه قبل بفرمایید تا ببینیم در ادامه چه اتفاقی خواهد افتاد که ذهن دوستان بیننده آماده شود و سؤالات جدید را عرض کنم.

موضوع: ادعای سران وهابی مبنی بر عدم داشتن علم غیب پیغمبر اکرم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلني مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق و اجعلني من لدنك سلطانا نصيرا

ما در دو جلسه گذشته مباحثی در رابطه با شبهات و هابیت مبنی بر علم غیب نبی گرامی اسلام و دیگر اولیاء الهی مطرح کردیم و گفتیم «محمد بن عبدالوهاب» در «مؤلفات» خود جلد اول صفحه ۱۹۵ می گوید:

"هرکس معتقد باشد و ادعا کند که چیزی از علم غیب می داند، ما او را کافر می دانیم."

همچنین «لجنة دائم افتاء عربستان سعودی» در جلد اول «مجموع الفتاوی» صفحه ۱۴۱ می گوید:

«ادعاء علم الغیب کفر»

ادعای علم غیب کفر است.

الکتاب: فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق الدويش، الناشر: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة للطبع - الرياض، ج ۱، ص ۱۴۱، فتوی رقم (۵۰۳۴)

عجیب است که اینها به بعضی از آیات استدلال می کنند به طوری که هرکسی از قرآن آگاهی نداشته باشد تصور می کنند که این افراد طبق قرآن فتوا صادر می کنند.

(قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ)

بگو کسانی که در آسمان و زمین هستند از غیب آگاهی ندارند، جز خدا.

ما در جلسات گذشته عرض کردیم اگر آیه‌ای را بگیریم و از آیات دیگر صرف نظر کنیم، به آیه‌ای که مورد نظر ماست استدلال کنیم و آیاتی که برخلاف نظر ماست استدلال نکنیم مصداق بارز این آیه شریفه هستیم:

(أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ)

آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به بعضی کافر می‌شوید؟!

سوره بقره (۲): آیه ۸۵

قرآن کریم می‌فرماید:

(قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ)

همچنین از طرف دیگر می‌فرماید: خداوند عالم که علم غیب در انحصار اوست، به هرکدام از پیامبرانش حتی اولیائش می‌تواند علم غیب بدهد. علم غیب مخصوص خداوند است.

(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ)

عالم الغیب او است، و هیچکس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، مگر رسولانی که از آنها راضی است.

سوره جن (۷۲): آیات ۲۶ و ۲۷

خداوند عالم هر بنده‌ای که از او راضی باشد را از علم غیبش آگاه می‌سازد. همچنین قرآن کریم مملو از آیاتی است که انبیاء الهی از علم غیب خبر دادند. حضرت نوح می‌فرماید:

(وَ قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرْنِي يَظْلُمُونَ عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا)

"نوح" گفت: پروردگارا! روی زمین احدی از کافران را زنده مگذار. چرا که اگر آنها را بگذارم بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند.

سوره نوح (۷۱): آیات ۲۶ و ۲۷

حضرت نوح از کجا می‌فرماید: **(وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاِجْرًا كَفَّارًا)!**؟ همچنین «آلوسی» و دیگران گفته‌اند حرفی که حضرت نوح می‌زند به برکت وحی بوده است.

حضرت یوسف در تعبیر خواب "هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می‌خورند"، گفت: شما هفت سال محصول می‌کارید و آن‌ها را در سنبل قرار می‌دهید. پس از آن هفت سال قحطی می‌آید. «طبری» و دیگران نوشته‌اند:

«وهذا خبر من يوسف عليه السلام للقوم عما لم يكن في رؤيا ملكهم ولكنه من علم الغيب الذي آتاه الله دلالة على نبوته وحجة على صدقة»

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ١٢، ص ٢٣٢، باب يوسف: (٤٩) ثم يأتي من ... ..

یک مرتبه یک معبر تیری در تاریکی رها می‌کند اگر درست شد می‌شود و اگر درست هم نشد نمی‌شود. حال حضرت یوسف در اینجا قاطعانه از آینده خبر می‌دهد و دقیق هم درمی‌آید.

حضرت عیسی می‌فرماید: من از آنچه در خانه‌های خود می‌خورید خبر می‌دهم. «نووی» می‌گوید:

«ومنها إخباره بالمغيبات»

خبر دادن حضرت عیسی به غیب‌ها.

«قال الله تعالى إخبارًا عنه: {وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ}»

خداوند عالم از قول حضرت عیسی نقل می‌کند: و از آنچه می‌خورید و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم.

لکتاب: تهذيب الأسماء واللغات، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦ هـ)، عنيت بنشره وتصحيحه والتعليق عليه ومقابلة أصوله: شركة العلماء بمساعدة إدارة الطباعة المنيرية، يطلب من:

دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، (تخريج الأحاديث وتخریج أسماء الرجال لـ مصطفى عبد القادر عطا، ولی

است فی المطبوع)، ج ۲، ص ۴۷، ح ۴۸۳

همچنین پیغمبر اکرم از پیروزی روم در آینده خبر می‌دهد. این موارد همگی نشانگر این است که پیامبران علم غیب داشتند.

ما اقوال علمای بزرگ اهل سنت را آوردیم. آقای «بیضاوی» می‌گوید: اولیاء الهی می‌توانند بر غیب آگاهی داشته باشند. «قرطبی» می‌گوید: پیامبران به وحی الهی از غیب باخبر می‌شوند. «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «تفسیر» خود تصریح می‌کند: خداوند عالم به بندگان مورد رضایتش علم غیب می‌دهد

«و هذا یعم الرسول الملکی والبشری»

پیامبران رسول ملکی و بشری هم علم غیب می‌دانند.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت  
- ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۴۳۴، باب الجن: (۲۵ - ۲۸) قل إن أدری ... ..

«ابن حجر عسقلانی» به صراحت می‌گوید:

«وسائر ما کان النبی یخبر به من الغیوب بإعلام الله تعالی إياه لا أنه یستقل بعلم ذلك»

اگر پیغمبر اکرم از علم غیب خبر می‌دهد با تعلیم و وحی الهی است، نه اینکه از پیش خود چیزی بگوید.

«عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ أَرَادَ»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۹، ص ۲۰۳، ح ۴۸۵۲

همچنین پیغمبر اکرم فرمود:

«والله ما أعلم إلا ما علمني الله»

به خدا سوگند علمی ندارم به غیر از علمی که خداوند آن را به من داده است.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۲،

ص ۱۸۴، باب ثم دخلت سنة تسع

«ابن حجر هیثمی» و «عظیم آبادی» مطالبی به همین شکل دارند. آقای «سجودی» ادعا می‌کند: "هرکسی بگوید پیغمبر اکرم از گذشته و آینده خبر داشته است، ما او را خرترا از خر می‌دانیم!" فیلم این حرف آقای سجودی را هم چند بار پخش کرده‌ایم. در کتاب «صحیح مسلم» که بعد از قرآن صحیح‌ترین کتاب است، از حذیفه نقل می‌کند:

«أَنَّه قَالَ أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»

پیغمبر اکرم از تمام اتفاقاتی که تا قیامت می‌افتد، مرا مطلع کرد.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۲۲۱۷، ح ۲۸۹۱

همچنین روایتی از «عمرو بن اخطب» وارد شده است که می‌گوید:

«صلى بنا رسول الله الفجر وصعد المنبر فخطبنا حتى حضرت الظهر»

روزی پیغمبر اکرم نماز صبح خواند، سپس بالای منبر رفت و تا ظهر خطبه خواند.

«فَنَزَلَ فَصَلَّى ثُمَّ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَنَا حَتَّى حَضَرَتِ الْعَصْرُ»

حضرت از منبر پایین آمد نماز خواند و دومرتبه بالای منبر رفت و تا عصر خطبه خواند.

«ثُمَّ نَزَلَ فَصَلَّى ثُمَّ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَنَا حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ»

حضرت از منبر پایین آمد نماز خواند و دومرتبه بالای منبر رفت و تا غروب شمس خطبه خواند.

«فَأَخْبَرَنَا بِمَا كَانَ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ»

پیغمبر اکرم از تمام گذشته و آینده ما را باخبر کرد.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٧، ح ٢٨٩٢

این در حالی است که این شخص می‌گوید: هرکسی چنین بگوید ما او را از فلان حیوان هم حیوان‌تر می‌دانیم! اگر پیغمبر اکرم این مطالب را نمی‌دانستند، از کجا چنین مطالبی فرموده‌اند و این صحابه چنین مطالبی را از کجا فهمیده‌اند؟!

آقای «ابن تیمیه»! آقای «محمد بن عبدالوهاب»! آقای «بن باز» و دیگران که ادعا می‌کنید هرکسی ادعای علم غیب داشته باشد کافر است؛ آیا نستجیر بالله می‌توانید در مورد پیغمبر اکرم هم ادعا کنید که کافر است؟! آقای «حذیفه» و «ابو زید» را هم می‌توانید کافر بدانید؟! این‌ها می‌گویند پیامبر از علوم گذشته و آینده به ما خبر داده است.

این‌ها یک یا دو مورد نیست، بلکه فراوان است. در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است که «حذیفه» قسم می‌خورد و می‌گوید:

«وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ النَّاسَ بِكُلِّ فِتْنَةٍ هِيَ كَائِنَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ السَّاعَةِ»

به خدا سوگند من آگاه‌ترین مردم هستم به تمام فتنه‌ها از الآن تا قیام قیامت.

«وما بي إلا أن يكون رسول الله أسراً إلى في ذلك شيئاً لم يحدثه غيري ولكن رسول الله»

اسراری که من از آن مطلع هستم را پیغمبر اکرم به من فرموده است و به احدی غیر از من نفرموده است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٦، ح ٢٨٩١



آیا نستجیر بالله می‌توانید کفر «حذیفه» را ثابت کنید و او را حیوان‌تر از فلان حیوان بدانید؟! یک حرفی بزیند که حداقل خودتان بتوانید آن را ثابت کنید. همچنین در کتاب «سنن ترمذی» حدیث ۲۱۹۱ روایتی از «ابو سعید خدری» وارد شده است که او می‌گوید:

«حَدَّثَهُمْ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۴، ص ۴۸۳، ح ۲۱۹۱

پیغمبر اکرم این مطالب را از کجا می‌دانستند؟! مگر که شما نمی‌گویید: «ادعاء علم الغیب کفر» ملاحظه کنید این کتب، صحیح‌ترین کتاب‌های شماست.

ما سپس گفتیم که ابوبکر از حامله بودن همسر خود و دختر بودن جنین اطلاع می‌دهد. او از کجا می‌دانسته است؟! آقای «ابن تیمیه»! آقای «محمد بن عبدالوهاب»! و آقای «بن باز»! شما در جواب این حرف‌ها چه ادعایی دارید؟! «البانی» هم در کتاب «ارواء الغلیل» جلد ۶ صفحه ۶۱ می‌گوید: این روایت صحیح است. ابوبکر از آنچه در رحم همسر

خود بوده خبر داشت. آقای «قرطبی» در کتاب «تفسیر» خود جلد هفتم می‌گوید:

«من قال إنه يعلم ما فی الرحم فهو کافر»!

هرکسی بگوید من می‌دانم چه نوزادی در رحم است، کافر است!

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی، دار النشر: دار الشعب -

القاهرة، ج ۷، ص ۲، باب الأنعام: (۵۹) وعنده مفاتيح الغیب... ..

این مطالب را کنار هم بگذارید تا معلوم شود چکار می‌کنید و چه آشی می‌پزید!! آقای «سجودی» ادعا می‌کند ما چنین شخصی را خرت‌تر از خر می‌دانیم! اما «قرطبی» اصلاً چنین شخصی را کافر می‌داند.

علی الظاهر تمام کسانی که امروزه با استفاده از سونوگرافی جنسیت نوزاد را تشخیص می‌دهند باید کافر باشند! زیرا «قرطبی» ادعا می‌کند هرکسی بگوید من می‌دانم چه طفلی در رحم است کافر است!

همچنین در کتاب «صحيح بخاری» وارد شده است که ابوبکر می‌گوید امروز آخرین روز عمر من هست و در همان شب هم از دنیا می‌رود.

همچنین خلیفه دوم در مدینه است و خبر دارد در نهاوند سپاه در حال شکست است. از همانجا صدا می‌زند: یا ساریه! الجبل! ای فرمانده به کوه بروید و پناه بگیرید. سپاهیان می‌گویند: ما صدای خلیفه دوم را در فضا شنیدیم، به کوه سنگر گرفتیم و پیروز شدیم.

به ما پاسخ دهید خلیفه در مدینه از کجا می‌دانست که با هزاران کیلومتر فاصله سپاه در حال شکست خوردن است؟! آقای «بن باز»! «محمد بن عبدالوهاب»! و «ابن تیمیه»! چه جوابی برای گفتن دارید؟!

این مطالب خلاصه بحثی بود که ما برای آن دسته از عزیزانی که برنامه هفته گذشته را ندیده بودند و یا دیده بودند و حضور ذهن نداشتند، مطرح کردیم. ما دو جلسه را به صورت خلاصه بیان کردیم.

### مجری:

استاد بسیار از شما متشکرم. ان شاء الله شما عزیزان بیننده و بزرگواران شیعه و اهل سنت متوجه مطالب هفته گذشته ما شده‌اید. ان شاء الله اگر در این زمینه هم سوالاتی داشتید برای ما بفرمایید. ما با افتخار در خدمت شما هستیم.

جناب استاد از نظر علمای بزرگ اهل سنت اولیاء الهی می‌توانند از علم غیب خبر بدهند؟! شما جایگاه پیغمبر را فرمودید، حال بفرمایید اولیاء الهی چنین علمی دارند یا خیر؟!

موضوع: علم غیب اولیاء الهی از منظر علمای اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی است. ما باید برویم پای صحبت «ابن تیمیه» رهبر و خدای وهابیت بنشینیم. در کتاب «منهاج

السنة النبوية» یا «منهاج البدعة الاموية»! مطلبی وارد شده است.

«علامه حلی» میگوید حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از غیب خبر می دادند. «ابن تیمیه» در جواب می نویسد:

«أما الإخبار ببعض الأمور الغائبة»

اما در مورد خبر به بعضی از امور غایبه.

«فمن هو دون علي يخبر بمثل ذلك»

افرادی که کمتر از علی هستند هم از غیب خبر می دهند.

«فعلى أجل قدرا من ذلك»

علی که مقامی بالاتر از آن دارد.

«وفى أتباع أبي بكر وعمر وعثمان من يخبر بأضعاف ذلك»

پیروان ابوبکر و عمر و عثمان چند برابر علی بن ابی طالب از غیب خبر می دادند.

آن ها از کجا خبر می دادند؟!

«وليسوا ممن يصلح للإمامة»

و از کسانی که صلاحیت امامت را داشته باشند هم نبودند.

او در آخر هم زهر خود را می ریزد.

«وحذيفة بن اليمان وأبو هريرة وغيرهما من الصحابة كانوا يحدثون الناس بأضعاف ذلك»

حذیفه بن یمان و ابوهریره و دیگر صحابه چند برابر علی بن ابی طالب از غیب خبر می دادند!

«وعمر رضى الله عنه قد أخبر بأنواع من ذلك»

و عمر بن خطاب چند نوع از این غیبها را خبر داده بود.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٨، ص ١٣٥، فصل قال الرافضي الخامس إخباره بالغائب

والكائن قبل كونه

این دیگر حرف «ابن تیمیه» است که می‌گوید: پیروان ابوبکر و عمر و عثمان چند برابر علی بن ابی طالب از غیب خبر می‌دادند. جایگاه آن بزرگوار در علم غیب بالاتر از این حرف‌هاست!! حال بفرمایید «ابن تیمیه» را مصداق ادعای خود می‌دانید؟!

پیغمبر اکرم که سر جای خود، اما ایشان ادعا می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین، ابوبکر، عمر، عثمان و اتباع آنها هم از غیب خبر می‌داشتند؟! آیا می‌توانیم (طبق گفته آقای سجودی) ادعا کنیم که «ابن تیمیه» خرتتر از خر بوده است؟! «الأمر اليكم»!!

همچنین «ابن تیمیه» در کتاب «النبوات» جلد اول صفحه ٤٩٧ می‌گوید: بعضی از افراد مانند «أسود عنسي»، «مسيلمه كذاب» و دیگران اجنه‌ای داشتند که توسط اجنه از غیب خبر می‌دادند. او در این کتاب جلد اول صفحه ٢٧٤ می‌گوید:

«والاخبار ببعض الامور الغائبة آتی يأتي بها الكهان هو أيضا من مقدور الجن»

خبر به بعضی از امور غائب توسط بعضی از جادوگران و کاهنان هم ممکن بود.

«فإنهم تارة يرون الغائب فيخبرون به»

النبوات، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: المطبعة السلفية - القاهرة

- ١٣٨٦، ج ١، ص ٢٧٤، فصل فجميع ما يختص بالسحرة والكهان

به گفته او کاهنان و جادوگران هم می‌توانستند از امکانات اجنه استفاده کنند و از غیب خبر دهند. کتاب «مقدمه ابن خلدون» جلد اول صفحه ٤١٦ مطالبی در مورد علم جفر در لغت می‌آورد و می‌نویسد:

علم جفر از قول امام صادق آمده است. بعضی از کسانی که اهل کرامت هستند، صحیح هست از آن خبر بدهند. امام صادق به پسرعمویش «زید» که قیام کرد عاقبت قیامش را خبر داد و همانطور که ایشان فرمود بود «زید» در جوزجان کشته شد. سپس می نویسد:

«وإذا كانت الكرامة تقع لغيرهم فما ظنك بهم»

وقتی غیر از امام صادق از غیب خبر دهند، چرا امام صادق از غیب خبر ندهد.

«علما ودينا وآثارا من النبوة وعناية من الله بالأصل الكريم تشهد لفروعه الطيبة»

سپس می نویسد:

«وقد ينقل بين أهل البيت كثير من هذا الكلام غير منسوب إلى أحد»

ثابت شده است که افرادی غیر از اهل بیت از غیب خبر می دهند.

مقدمة ابن خلدون، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن خلدون الحضرمي، دار النشر: دار القلم - بيروت -

١٩٨٤، الطبعة: الخامسة، ج ١، ص ٣٣٤، لفصل الثالث والخمسون في ابتداء الدول والامم وفي الكلام على

الملاحم والكشف عن مسمى الجفر

به گفته او وقتی دیگران از علم غیب خبر می دهند، چطور اهلیت که ریشه های پاک و طیب دارند و آثار نبوت و

نشانه های الهی شامل حال آن هاست نتوانند از علم غیب خبر بدهند!! تکلیف «ابن خلدون» کاملاً روشن است.

همچنین آقای «ابن حجر هیثمی» در کتاب «الفتاوی الحدیثة» صفحه ۲۲۲ از قول «غزالی» می گوید:

«المؤمن يعلم الغيب أن بعض الأولياء قد يعلمه الله ببعض المغيبات»

بعضی از اولیاء الهی به تعلیم الهی از غیب خبر می دهند.

«لأنه جائز عقلا وواقع نقلا»

این قضیه هم عقلاً جایز است و هم در خارج چنین اتفاقاتی رخ داده است.

«إذ هو من جملة الكرامات الخارجة عن الحصر على ممر الأعصار»

این قضیه از کرامات اولیائی است که خارج از شمارش است و در طول عصرهای مختلف به شمارش نمی‌رسد.

«فبعضهم يعلمه بخطاب وبعضهم يعلمه بكشف حجاب»

برای بعضی از این افراد حجاب کنار می‌رود و حقایق را می‌بینند.

«وبعضهم يكشف له عن اللوح المحفوظ حتى يراه»

همچنین بعضی دیگر از لوح محفوظ خبر می‌دهند.

الفتاوى الحديثية، اسم المؤلف: أحمد شهاب الدين ابن حجر الهيتمي المكي، دار النشر: دار الفكر - لا يوجد - لا

يوجد، الطبعة: لا يوجد، تحقيق: لا يوجد، ج ١، ص ٢٢٢، باب ٧ الحديث مسألة وسئل

او سپس می‌گوید: حضرت خضر در موارد متعددی از غیب خبر داده است. ابوبکر، عمر و دیگران همگی از غیب خبر دادند. او بحث دیگری را مطرح می‌کند مبنی بر اینکه کسانی که با خدا ارتباط دارند، قطعاً می‌توانند از غیب خبر بدهند.

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد ٩ صفحه ٢٠٣ می‌گوید:

«وسائر ما كان النبي يخبر به من الغيوب بإعلام الله تعالى إياه لا أنه يستقل بعلم ذلك»

چنین نیست که پیغمبر اکرم از خود علم غیب داشته باشد، بلکه به تعلیم خداوند بوده است.

«كما قال تعالى عالم الغيب فلا يظهر على غيبه أحدا الا من ارتضى من رسول»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج ٩، ص ٢٠٣، ح ٤٨٥٢

سپس در جای دیگر می‌نویسد:

«وفیه دلالة على جواز اطلاع الولی على المغیبات باطلاع الله تعالى له»

این روایات دلالت دارد بر اینکه خداوند ولی خود را از غیب آگاه می‌سازد و اشکالی هم ندارد.

«ولا يمنع من ذلك ظاهر قوله تعالى عالم الغیب فلا يظهر علی غیبه أحد الا من ارتضى من رسول فإنه لا يمنع

دخول بعض اتباعه معه بالتبعية»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۱۱، ص ۳۴۷، ح ۶۱۳۷

در ادامه وارد شده است وقتی به تبع آیه ۲۶ از سوره جن از علم غیب خبر دارند، اتباع ایشان هم از علم غیب خبر دارند.

جالب است یکی از علمای معاصر به نام «ملاً محمد عمر سربازی» کتابی به نام «خلاصة التصوف» دارد. ایشان

می‌نویسد: "بدان که اکابر فرموده‌اند که پنهان کردن کرامت اختیاری بر ولی واجب است، مگر جایی که اظهار آن ضروری

باشد یا از عالم غیب به او اجازه داده شود."

اگر ولی با عالم غیب مرتبط نیست، از کجا می‌داند که از عالم غیب به او خبر می‌دهند که کرامت را ظاهر کند؟!

همچنین در کتاب «عقاید علماء دیوبند» اثر «سید طالب الرحمن» آمده است: وهابی‌ها معتقدند که علم پیغمبر اکرم

تنها در احکام شریعت است و از علوم باطنی و اسرار حقیقت خبر ندارد. ایشان در ادامه می‌گویند: پیغمبر اکرم تمام علوم

اولین و آخرین را می‌دانست، به طوری که نه بشری و نه ملک مقربی چنین اطلاعی داشتند که پیغمبر اکرم می‌داند.

باز هم در میان علمای معاصر اهل سنت در کتاب «تعلیم الإسلام» اثر علامه مفتی کفایة الله «دهلوی» وارد شده است:

"معجزه آن حضرت اطلاع از امور آینده جهان است که بر اثر اطلاع و آگاهی خداوند بسیاری از امور آینده جهان را به امت

اطلاع داد و همه آن‌ها موافق پیش‌بینی و اطلاع آن حضرت به وقوع پیوستند. خداوند به وی علم و آگاهی بسیاری از

احوال گذشتگان و آیندگان داده بود که ایشان امت خویش را از آن‌ها آگاه ساختند."

این مطالب نظر علمای معاصری است که معتقدند اولیاء الهی، نبی گرامی اسلام و به تبع آن امتشان بعضی از غیب خبر دارند. این مطالب کاملاً واضح و روشن است و چیز مخفی نیست که ما بخواهیم بگوییم به دنبال آن هستیم تا چیزی را مخفی کنیم.

ما اصل عبارات، جلد و صفحات کتابها را هم نشان دادیم. بنده گمان می‌کنم برای همگان اعم از عزیزان شیعه و اهل سنت حتی سلفیون حجت تمام است.

بفرمایید صحبت‌های آقایان را هم بشنوید، عبارت «محمد بن عبدالوهاب»، «بن باز» و کارشناسان شبکه‌های وهابی را هم ببینید. در مقابل کتاب‌هایی که ما نشان دادیم از قبیل «صحیح بخاری»، «صحیح مسلم» و کتب «ابن تیمیه» را ببینید و خودتان قضاوت کنید.

### مجری:

استاد من در جایی خوانده بودم که حتی برخی از طرفداران «ابن تیمیه» ادعا کردند که «ابن تیمیه» هم علم غیب داشت. اگر این قضیه هم صحت داشته باشد و به آن پردازید، دیگر تکلیف قضیه روشن خواهد شد. واقعاً چنین چیزی هست؟!

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به نکته زیبایی اشاره کردید. ما در جلسات قبل به این قضیه اشاره کردیم و قول داده بودیم که اشاره کنیم. در کتاب «مدارج السالکین» اثر «ابن قیم جوزیه» متوفای ۷۵۱ شاگرد «ابن تیمیه» متوفای ۷۲۸ مطلبی در این خصوص وارد شده است. او می‌گوید:

«ولقد شاهدت من فراسة شيخ الإسلام ابن تیمية رحمه الله أموراً عجيبة»

من شاهد بودم که شیخ الإسلام ابن تیمیه از امور عجیبه خبر داد.

«وما لم أشاهده منها أعظم وأعظم ووقائع فراسته تستدعی سفراً ضخماً أخبر أصحابه بدخول التتار الشام»



من شاهد موارد زیادی از اتفاقاتی بودم که ایشان به آن خبر داد از جمله اینکه خبر داد قوم تاتار در شام می‌آیند.

او ادعا می‌کند که «ابن تیمیه» تمام قضایایی مثل اینکه چه تعداد انسان به دست این قوم کشته می‌شود را خبر داد.

همچنین در صفحه بعد وارد شده است که «ابن قیم» می‌گوید:

«وأخبرني غير مرة بأمر باطنة تختص بي مما عزمتم عليه ولم ينطق به لسانی»

استاد من ابن تیمیه چندین بار از مسائل باطنی من خبر داد.

به عنوان مثال من نیت می‌کردم فلان کار را انجام دهم، اما بدون اینکه نیت خود را اظهار کنم «ابن تیمیه» به من

می‌گفت که چنین نیتی کردی و می‌خواهی چنین کاری انجام دهی.

آیا این علم غیب هست یا علم غیب نیست؟!

(آقای سجودی!) آیا می‌توانی در خصوص او چنین تعبیری بکاربری؟!

ابن قیم سپس می‌گوید:

«وأخبرني ببعض حوادث كبار تجرى في المستقبل»

ابن تیمیه خبر داد حوادث بزرگی در آینده اتفاق می‌افتد، اما زمان آن را معین نکرد.

«وقد رأيت بعضها وأنا أنتظر بقيتها»

من بعضی از مواردی که ابن تیمیه به آن خبر داده بود را دیدم و منتظرم تا دیگر وقایع هم اتفاق بیفتد.

او به قضیه تاتار در سال ۷۰۲ اشاره داشت که آن‌ها می‌آیند، مسلمین را شکست می‌دهند و در نهایت نصرت برای

مسلمین است. او بیش از هفتاد بار قسم می‌خورد که تاتار می‌آید، این اتفاقات می‌افتد، آدم می‌کشند و در نهایت

شکست می‌خورند. من گفتم:

«قل إن شاء الله فيقول: إن شاء الله تحقيقاً لا تعليقاً»

بگو ان شاء الله. او گفت: ان شاء الله قطعاً خداوند می خواهد، تعلیقی در آن نیست!

او بسیار اصرار می کرد و قسم می خورد که چنین اتفاقاتی می افتد. وقتی به او گفتم از کجا می دانی چنین اتفاقاتی می افتد، گفت:

«كتب الله تعالى في اللوح المحفوظ!»

این اتفاقات در لوح محفوظ نوشته شده است!

مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، اسم المؤلف: ابن قَيِّم جوزي، محمد بن أبي بكر أيوب

الزرعي أبو عبد الله، دار النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - ١٣٩٣ - ١٩٧٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: محمد حامد

الفتي، ج ٢، ص ٤٩٠، فصل الفراسة الثالثة: الفراسة الخلقية وهي آلتى صنف فيها الأطباء

او ادعا کرد که من در لوح محفوظ دیدم که چنین اتفاقاتی می افتد و حوادثی که در لوح محفوظ نوشته می شود قابل محو نیست و قطعی است. مشاهده کنید «ابن تیمیه» ادعا می کند من از لوح محفوظ خبر دارم که چنین اتفاقاتی در آینده خواهد افتاد.

(حال ببینید وهابی ها در باره علم غیب چه می گویند؟) در کتاب «المنظار فی بیان کثیر من الاخطاء الشایعة» اثر «صالح بن عبدالعزیز» بحث ادعای علم غیب و اطلاع از لوح محفوظ مطرح می شود و می گوید:

دوازدهمین چیزی که موجب کفر است، این است که کسی ادعای علم غیب کند یا بگوید من از لوح محفوظ خبر دارم.

«ادعاء علم الغيب أو الاطلاع على اللوح المحفوظ كفرٌ»

صالح ابن عبدالعزیز، الشیخ، المنظار فی بیان کثیر من الاخطاء الشایعة، ص ١٨، جامعة الامام محمد بن سعود

الاسلامیة، ١٤١٣هـ

او از قول «بن باز» نقل می کند که اگر کسی ادعای علم غیب یا خبر داشتن از لوح محفوظ کند، کافر است. وهابی دیگر «عبد الرحمن عبد الخالق» در کتاب «القضايا الكلية» می گوید:

«ومن ادعى اطلاعا على الغيب أو اللوح المحفوظ فهو كافر مشرك»

هرکسی ادعا کند اطلاع بر غیب یا اطلاع بر لوح محفوظ دارد کافر و مشرک است.

الكتاب: القضايا الكلية للاعتقاد في الكتاب والسنة، المؤلف: عبد الرحمن بن عبد الخالق اليوسف، الناشر: الكتاب

منشور على موقع وزارة الأوقاف السعودية بدون بيانات، عدد صفحات (الكتاب الورقي): ٣٠، ح ٢٨

**مجری:**

عجیب است؛ یعنی واقعاً این افراد این کتاب‌ها و برخی ادعاهایی که «ابن تیمیه» و امثال آن دارند را نمی‌بینند و این

فتواها را بیان می‌کنند؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

نمی‌دانم؛ چه ایشان باشد، چه «محمد بن عبدالوهاب» باشد، چه «بن باز» باشد و چه دیگران باشد. حداقل این افراد

باید «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» را بردارند و مطالعه کنند. حداقل باید کتاب‌های بزرگان‌شان را هم مطالعه کنند و

بینند حرف‌هایی که این حضرات می‌زنند در میزان علم و آگاهی چقدر ارزش دارد تا خودشان را رسواتر از رسوا نکنند.

حال ما کاری نداریم؛ آقایان حرفی زده‌اند و ما هم در مورد آن بحث کردیم. ما نه می‌خواهیم به کسی توهین کنیم و نه

می‌خواهیم به کسی ناسزا بگوییم. همین مقدار که بینندگان عزیز قضاوت کنند بهترین پاداش است.

**مجری:**

جناب استاد از شما ممنونم. بزرگواران و همراهان خوب «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین» از لطف و

عنایت و همراهی شما با «شبکه جهانی ولایت» ممنونم. پیام‌های برخی از دوستان به دست من رسیده است و گاهی

سؤالاتی مطرح شده است.

**بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:**

آقای حسین منفرد از مراغه ان‌شاءالله به موقع سؤال شما را به محضر استاد مطرح خواهم کرد.

خانواده محترم یدالله جلالی از سردرود مثل همیشه حضری خودشان را سر کلاس ولایت زدند. از شما ممنونیم.

خواهر بزرگوارمان منیژه بشارت از اصفهان سلام و درود فرستادند و گفتند: ان شاءالله عزاداری‌ها قبول باشد. خواهرم از شما ممنونم، ان شاءالله از شما هم قبول باشد.

امر الله از شیراز هم سلام و درود فرستادند. بسیاری از پیام‌های دیگری که به دست ما رسیده است.

استاد وقتی که ما این مطالب را مطرح می‌کنیم، یکی از دغدغه‌های بینندگان و نکاتی که گاهی بیان می‌کنند و سؤال می‌پرسند، این است که می‌گویند: شما در کنار نظرات و اقوال علمای اهل سنت اشاره به نظرات شیعه هم کنید، زیرا به این صورت دلشان آرام‌تر می‌شود.

حال می‌خواهیم اگر صلاح بدانید در این بخش از برنامه در خصوص علم غیب ائمه اطهار (علیهم السلام) و طرز بیان آن در کتب شیعه و منابع ما هم اشاره کنید.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بسیاری از دوستان ما بارها تماس می‌گیرند و می‌پرسند که این نظرات در کتب شیعیان هم مطرح شده است یا خیر. وهابیت کتب خود را کنار می‌گذارند و اگر در جایی ائمه اطهار از غیب خبر دادند آسمان و زمین را به هم می‌دوزند و فریادشان گوش کروبیان را کر می‌کند که ببینید قرآن می‌فرماید کسی از علم غیب خبر ندارد، اما شیعیان در کتب خود ادعا می‌کنند ائمه اطهار از علم غیب خبر دارند.

بنده ابتدا به سراغ «نهج البلاغه» می‌روم. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خطبه ۱۲۸ بعضی از اتفاقاتی که مربوط به بصره بود را خبر داد و فرمود: در آینده در بصره چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد و چنین و چنان خواهد شد. یکی از اصحاب عرض کرد:

«لَقَدْ أُعْطِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِلْمَ الْغَيْبِ»

یا امیرالمؤمنین! شما علم غیب دارید؟!!

«فَضِحَكَ وَ قَالَ لِلرَّجُلِ وَ كَانَ كَلْبِيًّا»

سپس فرمودند:

«يَا أَخَا كَلْبٍ لَيْسَ هُوَ بِعِلْمٍ غَيْبٍ»

ای برادر! آنچه خبر دادم علم غیبی که خودم به آن خبر دهم نیست.

«وَ إِنَّمَا هُوَ تَعَلُّمٌ مِنْ ذِي عِلْمٍ»

این علم غیب را از صاحب علمی شنیدم.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۱۸۶، خ ۱۲۸ و من

کلام له ع فیما یخبر به عن الملاحم

مراد امیرالمؤمنین از «ذی عِلْمٍ» رسول گرامی اسلام است که حضرت هم از خداوند عالم شنیده است. خیلی واضح است! حضرت به صراحت می فرماید: من از خود چیزی نگفتم، بلکه آنچه از آن خبر دادم غیبی بود که من از صاحب علمی آن را فراگرفتم.

همچنین در کتاب «بحار الانوار» جلد ۵۰ جمله زیبایی وارد شده است. راوی می گوید: من به امام جواد عرض کردم که شیعیان شما ادعا می کنند شما وزن تمام آب های دجله را می دانید. آیا درست است؟! حضرت فرمود:

«يَقْدِرُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَفُوضَ عِلْمَ ذَلِكَ إِلَى بَعْضَةِ مَنْ خَلَقَهُ أَمْ لَا»

آیا خداوند قدرت دارد آنچه من به آن علم دارم را به پشهای هم بدهد یا خیر؟

«قُلْتُ نَعَمْ يَقْدِرُ»

من گفتم: بله می تواند.

«فَقَالَ أَنَا أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ بَعْضَةِ مَنْ خَلَقَهُ»

حضرت فرمود: من در نزد خداوند عالم از یک پشه و بیشتر مخلوقاتش گرامی‌تر هستم.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۰، ص ۱۰۰، ح

۱۲

مجری:

چه استدلال زیبایی بود.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

حضرت می‌فرماید: خداوند عالم قادر است یا قادر نیست؟! آقایان وهابی که ادعا می‌کنند هزاران خدا همانند خود را

بیافریند! خدایی که قادر است هزاران خدا همانند خود را بیافریند، نمی‌تواند علم خود را به اولیاء خود بدهد؟!

به قول آقای «سجودی» خداوند می‌تواند اسلحه به دست پیغمبرش بدهد تا پیغمبر خدا را بکشد. حال نمی‌دانیم اگر

پیغمبر هم خدا را با اسلحه کشت! بعد از آن چه اتفاقی می‌افتد؟!

چطور شد خدا چنین اختیاری دارد که هزاران خدا همانند خود را بیافریند یا سنگی بیافریند که نتواند آن را بلند کند، اما

نمی‌تواند علم غیب را به اولیاء خود بدهد؟! این عقل آقایان وهابی است! آن‌ها با این کار خود مدعی موحد بودن هستند!

و غیر از خودشان همگی را کافر می‌دانند!

روایت دیگر در کتاب «کافی» است. تقاضا دارم عزیزان مخصوصاً عزیزان شیعه به این روایت خوب دقت کنند و در

بحثی که با وهابیت در فضای مجازی دارند، به کار ببرند. بنده چند روایت می‌خوانم و تقاضا دارم عزیزان به مضمون این

روایات خوب دقت کنند.

در کتاب «کافی» شریف جلد اول صفحه ۲۵۵ روایتی وارد شده است که امام صادق می‌فرماید:

**«إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عِلْمِينَ»**

خداوند تبارک و تعالی دو علم دارد.

«عِلْمًا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ أَنْبِيَائُهُ وَ رُسُلُهُ»

علمی که ملائکه و انبیاء و پیامبرانش را بر آن آگاه می‌کند.

«فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ أَنْبِيَائُهُ فَقَدْ عَلِمْتَاهُ»

هرآنچه خدا بر ملائکه و پیامبرانش علم غیب داده است، ما هم آن را می‌دانیم.

«وَ عِلْمًا اسْتَأْتَرَ بِهِ فَإِذَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَا ذَلِكَ»

علمی است منحصر به خداوند عالم است و کسی غیر از او از آن خبر ندارد و تنها دست خداست.

«وَ عَرَضَ عَلَى الْأُمَّةِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۲۵۵،

ح ۱

حضرت به صراحت می‌فرماید: علم منحصر به خداوند تنها دست خود اوست، اما آنچه از غیب برای ملائکه ابلاغ کرده است یا برای پیامبرانش آگاه کرده است را می‌دانیم. این همان تعبیری بود که ما در «صحیح مسلم» و دیگر کتب اهل سنت داشتیم.

«علامه مجلسی» هم در کتاب «مرآة العقول» جلد ۳ صفحه ۱۰۹ می‌گوید: سند دوم این روایت صحیح است. روایت دیگری در کتاب «کافی شریف» جلد اول صفحه ۲۵۶ وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمِينَ عِلْمٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ وَ عِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ»

خداوند عالم دو علم دارد؛ علمی که جز خودش کسی دیگر از آن خبر ندارد و علمی که به ملائکه و پیامبرانش آموزش داده است.

«فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَتَحْنُ نَعْلَمَهُ»

ما تمام آنچه را خداوند به ملائکه و پیامبران آموزش داده است، می‌دانیم.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۲۵۶،

ح ۴

«علامه مجلسی» باز هم می‌گوید: این روایت صحیح است. در کتاب «کافی شریف» جلد اول صفحه ۲۵۶ روایتی وارد شده است که خیلی جالب است. حضرت می‌فرماید:

«يَبْسُطُ لَنَا الْعِلْمَ فَتَعَلَّمْ»

خداوند در علم خود را برای ما باز می‌کند و ما می‌دانیم.

«وَوَيْبُضُ عَنَّا فَلَا نَعْلَمُ»

خداوند در علم خود را بر ما می‌بندد و ما نمی‌دانیم.

عقیده ما نسبت به ائمه اطهار چنین است. هرآنچه را که خداوند اراده کند از علم ما کان و ما یکون و هو کائن الی قیامت، می‌دانند. همچنین اگر خداوند عالم اراده کند که آن‌ها ندانند، به هیچ وجه نخواهند دانست. ائمه از پیش خود چیزی ندارند، هرچه دارند از خداوند عالم است.

«وَقَالَ سِرُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَسْرَهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ وَ أَسْرَهُ جِبْرِئِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَسْرَهُ مُحَمَّدٌ إِلَى مَنْ شَاءَ اللَّهُ»

خداوند عالم بعضی اسرار خود را در اختیار جبرئیل قرار داده است، جبرئیل این اسرار را در اختیار رسول اکرم قرار داده است و رسول اکرم هم این اسرار را به هرکسی که خداوند اراده کرده داده است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۲۵۶،

ح ۱



«علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» این حدیث را صحیح می‌داند. روایات زیاد است؛ بنده روایاتی که صددرصد صحیح است را آوردم. بازهم در کتاب «کافی شریف» جلد اول صفحه ۲۵۷ روایتی وارد شده است که «عمار ساباطی» می‌گوید:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْإِمَامِ يَعْزَمُ الْغَيْبِ»

از امام صادق سؤال کردم: امام علم غیب دارد؟

«فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْزَمَ الشَّيْءَ أَغْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ»

حضرت فرمود: نه، اما امام دوست دارد چیزی را بداند که چه اتفاقی برای آن می‌افتد و خداوند عالم هم علم را به آن‌ها آموزش می‌دهد.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۲۵۷،

ح ۴

«علامه مجلسی» در کتاب «مرآة العقول» جلد سوم می‌گوید:

«الحديث الرابع: موثق»

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: رسولی

محللاتی، سید هاشم، ج ۳، ص ۱۱۵، ح ۴

تفاوت حدیث موثق با حدیث صحیح این است که حدیث صحیح حدیثی است که تمام راویان آن امامی عادل ضابط باشند، اما حدیث موثق حدیثی است که یک یا چند راوی آن غیر امامی ثقة هستند.

غیر امامی به این معنا که شیعه دوازده امامی نیست، بلکه شش امامی یا چهار امامی یا سنی است. ما روایات تعدادی از روایات اهل سنت را ثقة می‌دانیم و به روایات آن‌ها هم عمل می‌کنیم. عزیزان دقت کنند ما می‌گوییم اگر یک راوی یا بیشتر غیر امامی بود، اما ثقة بود روایت او را موثقه می‌دانیم.

باز هم در جلد اول از کتاب «کافی شریف» صفحه ۲۵۸ روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَغْلَمَ عُلْمٌ»

اگر امام بخواهد چیزی را بداند، خداوند آن علم را به او می‌دهد.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۲۵۸،

ح ۱

مشاهده کنید ائمه اطهار می‌فرمایند: ما از نزد خود علمی نداریم. اگر علم داریم یا از غیب خبر می‌دهیم این به برکت تعلیم الله است.

مجری:

استاد این اراده از سمت امام است یا از سمت خداست؟! اگر خداوند اراده کند این علم را به امام می‌دهد یا هر موقع امام اراده کند از خداوند علم را می‌خواهد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر از طرف خداوند عالم اراده شود؛

(إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)

فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید: "موجود باش" آن نیز بلافاصله موجود می‌شود!

سوره یس (۳۶): آیه ۸۲

در این مسئله هیچ شکی نیست. این روایت می‌خواهد بفرماید زمانی که امام اراده می‌کند به دلیل اینکه اراده امام مرضی او هست، خداوند این علم را در اختیار او قرار می‌دهد. اگر اراده نکند خدا علمی در اختیار او قرار نمی‌دهد.

در واقع اراده خداوند عالم بعد از اراده امام (علیه السلام) است. امام درخواست می‌کند که می‌خواهد از علم غیب خبر داشته باشد و خداوند عالم در خزانه علم خود را باز می‌کند و به امام علم عطا می‌کند.

**مجری:**

ممکن است گاهی اوقات امام اراده‌ای کند، اما خداوند به امام عطا نکند؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما در روایات ندیدیم که امام چیزی بخواهد، اما خداوند عالم به او ندهد. ائمه اطهار به قدری نزد خداوند عالم عزیز و محبوب هستند که اگر چیزی از خداوند بخواهند به هیچ وجه رد شدنی نیست. در مقابل ائمه اطهار هم درخواست رد شدنی از خداوند ندارند.

**مجری:**

ائمه اطهار می‌بینند رضای خداوند در چیست تا همان را درخواست دهند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ائمه اطهار نمی‌آیند درخواست کنند که خدایا سنگی را بیافرین که خود نتوانی آن را بلند کنی! یا هزاران خدا همانند خود بیافرین. ائمه اطهار (علیهم السلام) آموزش یافته مکتب وحی و پرورش یافته مکتب نبی گرامی اسلام هستند، به همین خاطر چیزی را می‌خواهند که رضای خداست و مصلحت به او تعلق گرفته است. اگر مصلحت تعلق نگرفته باشد، آن‌ها چیزی از خداوند عالم طلب نمی‌کنند.

این مطالب در حقیقت عباراتی بود که ما در کتب شیعیان داشتیم. در روایت دیگری وارد شده است:

«إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَغْلَمَ أُغْلِمَ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۲۵۸،

روایت قبل صحیح است و این روایت صحیح نیست، زیرا راوی آن «ابی ربیع شامی» است که مورد تأیید نیست و بعضی از روایات مسئله‌دار را نقل کرده است.

آنچه که مهم است، این است که ما چندین روایت صحیح داریم مبنی بر اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام) علم غیب دارند و علم غیب برای آن‌ها ذاتی نیست، بلکه به تعلیم الله است.

زمانی که مشیت خداوند عالم به یک چیز تعلق بگیرد، آن علم را در اختیار ائمه اطهار قرار می‌دهد. اگر ائمه (علیهم السلام) علم چیزی را از خداوند عالم بخواهند، خداوند در آن علم را برای آن‌ها می‌گشاید.

این مطالب خلاصه‌ای از عقیده شیعه در روایات است. ائمه اطهار ادعا نمی‌کنند ما علم غیب داریم، بلکه می‌فرمایند آن علم غیبی که خداوند به ما داده است را داریم.

### مجری:

شما به یک سؤال دیگر هم پاسخ بدهید، سپس ان‌شاءالله در خدمت عزیزان بیننده باشیم و تلفن‌های آن‌ها را داشته باشیم. نظر علمای شیعه نسبت به علم غیب ائمه اطهار (علیهم السلام) چیست؟! اگر کوتاه و مختصر بفرمایید ممنونم.

### موضوع: علم غیب ائمه اطهار از منظر علمای شیعه

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، من هم به صورت مختصر عرض خواهم کرد. «مرحوم شیخ مفید» کتابی به نام «اوائل المقالات» دارد. ایشان در این کتاب بحث علم ائمه اطهار به ضمائر، کائنات و علم غیب را مطرح می‌کند. ایشان می‌فرماید:

«إن الأئمة من آل محمد قد كانوا يعرفون ضمائر بعض العباد»

ائمه اطهار از آل محمد (صلی الله علیه و آله) باطن افراد را می‌دانستند.

«ويعرفون ما يكون قبل كونه»

و قبل از اینکه اتفاقی بیفتد، ائمه باطنشان را می‌دانستند.

یکی از آقایان جمله‌ای گفته بود مبنی بر اینکه قبل از اینکه ما به دنیا بیاییم، امام رضا می‌دانست که ما چه روزی به دنیا می‌آییم و چه حاجتی داریم. این فرمایش «شیخ مفید» است. البته ایشان می‌گویند:

«ولیس ذلک بواجب فی صفاتهم ولا شرطاً فی إمامتهم»

البته این شرط واجب امامت نیست.

ما نمی‌خواهیم بگوییم به دلیل اینکه ائمه اطهار علم غیب داشتند، بنابراین امام هستند.

«وإنما أكرمهم الله تعالى به وأعلمهم إياه»

خداوند عالم به خاطر لطفی که در اطاعت آن‌ها از خداوند دارد، آن‌ها را از غیب باخبر کرده است.

این موارد باعث می‌شود که ما از ائمه اطهار (علیهم السلام) اطاعت کنیم و به امامت آن‌ها تمسک کنیم. در نهایت می‌نویسد:

«فأما إطلاق القول عليهم بأنهم يعلمون الغيب فهو منكر بين الفساد»

اگر کسی به صورت مطلق بگوید که آن‌ها غیب می‌دانستند، هم منکر است و هم فساد آن روشن است.

أوائل المقالات، نویسنده: الشيخ المفيد، ص ۶۷، ح ۴۱

آن‌ها علم غیب نمی‌دانستند، بلکه علمی را که خداوند عالم به آن‌ها از غیب آموزش می‌داد از آن خبر داشتند.

این همان تعبیری است که «حذیفه»، «ابوهریره»، «ابو زید»، «ابو سعید خدری» داشتند. آن‌ها می‌گفتند که پیغمبر ما این مطالب را فرموده است که آن هم به تعلیم الله بود. «شیخ صدوق» در کتاب «الاعتقادات» می‌فرماید:

«وأنهم عيبة علمه و تراجمة و حیه و أركان توحیده»

ائمه اطهار (علیهم السلام) مخزن علم خداوند و بازگو کننده وحی الهی و ارکان توحید خداوند عالم هستند.

إعتقادات الإمامية، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۹۴، باب [۳۵] باب الاعتقاد فی عدد الأنبياء و

الأوصياء - عليهم السلام -

«مرحوم سید مرتضی» هم می نویسد:

«إلا أنا قد علمنا بالأخبار الشائعة أنهم عليهم السلام أخبروا بالغائبات»

ما روایات شایعی داریم مبنی بر اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام) خبر از غیب داده اند.

«فعلمنا أن الله تعالى قد أطلعهم على ذلك»

و یقین می دانیم که خداوند عالم از غیب به آنها خبر داده است.

رسائل الشریف المرتضی، نویسنده: الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۸۲، مسألة حادية وعشرون

بنابراین غیب منحصر به خداوند است، اما مهم این است که آیا خداوند عالم به کسی هم آموزش می دهد یا خیر. «الآ من ارتضى» چه کسی بهتر از آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین) که خداوند متعال از آنها راضی باشد.

مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

استاد از شما بسیار ممنونم، چون به صورت مختصر و مفید بحث را به جای خوبی رساندید. ان شاء الله باز هم در هفته های آینده مباحث خود را ادامه خواهیم داد.

ما خاطرات شیرینی از سفر معنوی حج مخصوصاً در طواف خانه کعبه داریم. می دانید که در ایام حج تمتع پرده های کعبه را بالا می زنند و رکن یمانی و مستجار قسمتی که دیوار خانه کعبه شکافته می شود و وجود نازنین مادر امیرالمؤمنین وارد می شود، نمایان است.

در این زمان حضرت مهمان خانه کعبه می‌شوند، در آنجا به دنیا می‌آیند و سه روز هم مهمان هستند. جالب است که دقیقاً این قسمت بر دیوار خانه کعبه نمایان است. هربار شکاف نمایان شده است و وهابی‌ها خواستند مخفی کنند، اما این اتفاق نیفتاده است.

به عنوان مثال در سعی بین صفا و مروه نکته جالبی است. فاصله بین صفا و مروه دقیقاً اندازه فاصله حرم حضرت ابوالفضل تا حرم امام حسین (علیه السلام) است.

استاد ما امسال به نکته‌ای رسیدیم و آن هم اینکه فاصله بین صفا و مروه ۴۲۰ متر است. طبق محاسباتی که دوستان داشتند این فاصله اندازه فاصله بین الحرمین است.

زمزمه‌ای که من دائماً در سعی صفا و مروه آن را تکرار می‌کردم، بیتی بود که می‌خواهم تقدیم حضور شما کنم و میان برنامه‌ای از وجود نازنین آقا جانمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ببینیم و بشنویم و تلفن‌ها را خدمت شما داشته باشیم.

عشق من و تو چه ماجرای دارد

این قصه چه شاه و چه گدایی دارد

من بین صفا و مروه هم می‌گویم

ایوان نجف عجب صفایی دارد

این میان برنامه بسیار زیبا با تصویر ایوان نجف شروع شد و با تصویر ایوان نجف هم به پایان رسید. الهی که خدا به حق امیرالمؤمنین به زودی کربلای معلی و نجف اشرف را روزی‌تان کند و عتبات عالیات را زیارت کنید. مخصوصاً الآن که کم کم ندای کاروان‌های اربعین هم به صدا درمی‌آید. ان‌شاءالله خداوند رزق و روزی همه ما کند که کربلا مشرف شویم و مسیر نجف تا کربلا یکی یکی ستون‌ها و موکب‌ها را ببینیم. واقعاً چه لذت و چه صفایی دارد!!

ان‌شاءالله این زیارت نصیب همه شما شود، مخصوصاً کسانی که هنوز کربلا نرفته‌اند. «بسم الله» بگویید، «یا علی» بگویید و امسال همت کنید. امسال از خداوند بخواهید ان‌شاءالله خداوند شما را کمک می‌کند.

اربعین فرصت خوبی است، مخصوصاً برای کسانی که می‌گویند دستمان خالی است و زیارت امکان‌پذیر نیست. زیارت کردن در اربعین مقداری راحتی است و شرایط فراهم‌تر است. ان‌شاءالله «یا علی» بگویند و امسال کربلایی شوند.

### تماس‌های بینندگان برنامه:

ما از این لحظه در خدمت دوستان خوب بیننده هستیم. عزیزان بیننده می‌توانند سؤالات خود را مطرح کنند، با افتخار پاسخگو خواهیم بود. جناب آقای کرمانی از کرمان پشت خط ارتباطی ما هستند. آقای کرمانی سلام به شما، شب شما بخیر:

بیننده (آقای کرمانی از کرمان - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما حاج آقای اسماعیلی، ان‌شاءالله زیارت شما قبول باشد و نائب‌الزیاره ما شیعیان هم بوده باشید.

### مجری:

حتماً دعاگو بودیم، ممنونم.

### بیننده:

سلام عرض می‌کنم خدمت استاد حضرت آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی.

### آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام عرض می‌کنم، ممنونم.

### بیننده:

آقای دکتر مطالبی دارم. کلیپ صوتی از یکی از کارشناسان شبکه وهابی به نام «عقیل هاشمی» نسبت به معاویه که وهابی‌ها برای او فضائل خاصی قائلند، دارم.



اگر واقعاً یک شیعه نصف مطالبی که این آقای وهابی نسبت به معاویه را عنوان می‌کرد عنوان کند، واقعاً شیعه است. ببینید این چهار شبکه چه کارهایی نمی‌کردند و ویژه برنامه‌های خاصی می‌رفتند.

بنده کلیپی می‌گذارم و توضیحاتی می‌دهم، فقط تقاضا دارم که علما و مولویان این کلیپ را گوش کنند تا ببینند شیعه چقدر مظلوم است. وهابیت به هیچ جایی وابسته نیستند و صاحبی ندارند. اگر صاحب دارند نسبت به این کلیپ اعتراض کنند.

### مجری:

آقای کرمانی صدا واضح نبود، خودتان توضیح بدهید که آن‌ها چه مطالبی گفتند و اگر توانستید بعداً کلیپ را برای دوستان ما در شبکه بفرستید تا بتوانند در برنامه‌ها استفاده کنند.

### بیننده:

آقای «هاشمی» در اینجا عنوان می‌کند که معاویه گناه کبیره کرده است که با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت نکرده است. همانطور که همه می‌دانند در گناه کبیره‌ای که آقای «هاشمی» عنوان می‌کند معاویه انجام داده است افراد زیادی کشته شدند.

آقای «هاشمی»! شما که می‌گویید معاویه گناه کبیره کرده است، حکم اشخاصی که معاویه را در این جنگ‌ها حمایت کردند و افراد زیادی از این طریق کشته شدند، چیست؟!

او برای بار دوم عنوان می‌کند که معاویه گناه کبیره کرده است یزید را به جانشینی انتخاب کرده است. همچنین هتک و بی‌حرمتی‌هایی که یزید نسبت به حرمین شریفین کرده است و خونریزی‌هایی که در دشت کربلا نسبت به اهل بیت پیغمبر اکرم انجام داده شده از سوی شخصی که آقای «هاشمی» می‌گوید معاویه او را منصوب کرده است، به کجا می‌رود؟

باز هم «هاشمی» عنوان کرده است که معاویه برای بار سوم گناه کبیره کرده است. گفتنی است خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: به عهد و پیمان خود وفادار بمانید.

معاویه به عهد و پیمان خود نسبت به سرور جوانان اهل بهشت، امام حسن وفادار نبود و عهد شکست. شکستن عهد و پیمان از طرف نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جایگاهی ندارد و شخص خاطی دروغگو محسوب می‌شود. شخصی که عهد و پیمان می‌شکند دروغگو و کذاب می‌باشد.

آیات زیادی هم داریم که شخص کذاب وارد بهشت نمی‌شود و گناه پیاپی را برای معاویه عنوان می‌کند. حال این موارد را گفتم تا عزیزانی که نسبت به معاویه تعصب دارند و فضائلی قائل هستند، واکنش نشان دهند. چطور است که یک شبکه راحت می‌تواند به مقدسات آن‌ها توهین کند و آن‌ها سکوت کنند که آن هم گناهی کبیره است.

**مجری:**

آقای کرمانی از شما متشکرم. ان‌شاءالله حضرت استاد توضیحاتی در این زمینه خواهند داد. با شما خداحافظی می‌کنم، از شما تشکر می‌کنم. ممنون از اینکه تا این اندازه مطالب را دنبال می‌کنید و تلاش می‌کنید پیام‌ها را به ما برسانید.

استاد نکته‌ای در این زمینه وجود دارد؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

حرف درستی می‌زنند. «شهد شاهدٌ من أهلها»! کسانی که ادعا می‌کنند معاویه معصوم بوده است، به حق بوده است و اجتهاد و خطا کرده است زمانی که پای گناه کبیره به میان آید بحث اجتهاد و خطا نیست. این قضیه همانند این است که کسی زنا کند و افرادی ادعا کنند که او اجتهاد کرده است زنا کرده است. همچنین کسی دیگر آدم بکشد یا شراب بخورد و ادعا کنند او اجتهاد کرده است.

قطعاً دوستان ما این کلیپ را دارند، اما اگر ایشان کلیپ را از طریق فضای مجازی برای ما بفرستند، ما از ایشان تشکر می‌کنیم.

**مجری:**

بسیار خوب، آقای کرمانی از شما ممنونم. به دیار امام رضا مشهد مقدس برویم، بیننده بزرگوار ما آقای ایرانی پشت خط هستند. آقای ایرانی سلام علیکم:

بیننده (آقای ایرانی از مشهد - اهل سنت):

با عرض سلام خدمت استاد بزرگوار و مجری برنامه.

**مجری:**

ممنون و متشکرم. در خدمت شما هستم.

**بیننده:**

استاد بزرگوار فرمودند خلیفه دوم زمانی که در عربستان بودند، در جنگی که داخل ایران بود به فرماندهان جنگ چطور اطلاع می‌دادند؟! در آن زمان که بیسیم و تلفن همراه نبود، خلیفه دوم از چه ترفند و فنونی استفاده می‌کرد؟!

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

از علم غیب استفاده می‌کردند.

**بیننده:**

ایشان چطور علم غیبی داشت که وقتی فرمانده در جنگ می‌خواست شکست بخورد، آن‌ها را چطور صادر می‌کرد؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

علم غیب که شاخ و دُم ندارد. وقتی امام صادق بفرماید علم غیب دارم کفر است، اما اگر این افراد نسبت به دیگران نقل کنند وهابیت ادعا می‌کنند که این عین توحید و عین ایمان است.

**مجری:**

آقای ایرانی شما اهل سنت هستید یا شیعه؟!

**بیننده:**

من سنی زاده هستم.

**مجری:**

ظاهراً در منابع شما چنین است که این افراد علم غیب داشتند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

برادر بزرگوارم من این مطالب را از کتب خود شما بیان کردم. «ابن تیمیه» در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد ۱۱ می‌گوید: عمر بن خطاب وقتی سپاهی را فرستاد، مردی را به نام «ساریه» صدا زد. آن‌ها در مدینه بودند که صدا زدند: ای فرمانده به کوه پناهنده شوید و سنگر بگیرید. این افراد به کوه پناهنده شدند و پیروز شدند. از طرف دیگر «ابن قیم»، «ابن حجر»، «ابن کثیر»، «ابن خلدون»، «ألبانی»، «ابن حجر مکی» این مطلب را آورده‌اند. حتی بعضی افراد گفته‌اند که معجزه او فراتر از معجزه پیامبران بوده است. من هیچکدام از این مطالب را از کتب شیعیان نیاوردم، بلکه همگی را از کتب عزیزان اهل سنت آوردم.

**بیننده:**

استاد اصلاً با عقل جور در نمی‌آید. اگر در آن زمان تلفن همراه می‌بود، ما قبول می‌کردیم.

**مجری:**

شما این حرف را پذیرفتید یا نپذیرفتید؟!؟

**بیننده:**

برادر من نپذیرفتم.

**مجری:**

یعنی به نظر شما ایشان علم غیب نداشتند؟!؟

**بیننده:**

صدا قطع و وصل می‌شود. من سؤال دیگری هم از استاد بزرگوار دارم. زمانی که اجداد ما روزی پنج وقت نماز می‌خواندند، آیا اعراب جلوتر از اسلام نماز می‌خواندند یا خیر؟!

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مشاهده کنید جلوتر از اسلام در آئین پیامبران گذشته نماز بوده است. حضرت عیسی در همان ابتدای امر می‌فرماید:

(وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ)

و مرا توصیه به نماز کرده است.

سوره مریم (۱۹): آیه ۳۱

ما نمی‌دانیم نمازشان به چه صورت بوده است. همچنین قبل از پیغمبر اکرم هم در مکه مکرمه افرادی همانند حضرت ابوطالب بودند که در مورد آن‌ها گفته شده از اوصیاء حضرت ابراهیم بودند. چنین نبود که هیچ انسان نمازخوان و مؤمنی در مکه نباشد، اما به قدری اندک بودند که به آن شکل به چشم نمی‌آمدند.

مجری:

سبک و سیاق نماز هم متفاوت است.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، در هر دین و شریعتی نماز به یک نحو بوده است. در رابطه با حضرت داود نماز به یک صورت بوده است، در رابطه با حضرت موسی و حضرت عیسی به نحو خاصی بوده است و در شریعت نبی گرامی اسلام هم طور دیگری بوده است.

آنچه محرز است، این است که نبی گرامی اسلام از بدو ولادت یا بلوغ به شریعت خودشان عمل می‌فرمودند. حضرت نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، اگر اهل زکات بودند زکات می‌پرداختند، حج می‌کردند.

عقیده ما بر این است که نبی گرامی اسلام قبل از رسالت به شریعت خودشان عمل می‌فرمودند.

آقای ایرانی از مشهد مقدس متشکرم، خدانگهدار شما باشد. آقای اثنی عشری از دیار اهواز خوزستان پشت خط ارتباطی ما هستند. خدمت شما سلام عرض می‌کنم و شب بخیر می‌گویم:

بیننده (آقای اثنی عشری از خوزستان - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته خدمت مجری محترم. ان شاءالله طاعات شما قبول باشد، حجکم مقبول و سعیکم مشکور. جناب آقای اسماعیلی من فکر کردم به حرم حضرت زینب تشریف بردید تا از حضرت زینب دفاع کنید.

سلام خدمت آیت الله بزرگوارم. من از دور دست و پیشانی ایشان را می‌بوسم. ان شاءالله خداوند ایشان را حفظ کند. من به این شبکه افتخار می‌کنم که عزیزان اهل سنت همانند فردی که جلوتر از من تماس گرفته بود راحت سؤالات خود را می‌پرسند.

گفتنی است اگر ما بعد از مدت‌ها یک کلمه حرف در جواب شبکه‌های ناصبی داریم، خدا را گواه می‌گیرم اگر یک کلمه ما حرف بزیم هزاران یاوه تحویل ما می‌دهند. آن‌ها انواع و اقسام اهانت‌ها را به بزرگان و کوچکان ما می‌کنند، بگذریم از خودمان.

اخیراً رئیس «شبکه کلمه» انگلیسی وهابی که به سمت انگلستان فرار کرده است افاضاتی دارد. او در برنامه چند روز پیش خود افاضه می‌کرد چرا شیعیان که دائماً «قال الصادق» و «قال الباقر» عرض می‌کنند، کتابی از آن‌ها به ما نشان نمی‌دهند؟!

چرا فقه خود را از آن‌ها نگرفتند؟! اگر شیعیان فقه خود را از آن‌ها گرفتند و کتابی دارند، به ما نشان بدهند تا ما هم به آن‌ها تاسی کنیم.

آن‌ها تلفن مرا وصل نکردند تا جواب آن‌ها را بدهم. بنده خدمت آن‌ها عارضم از نظر حقیر ما تا امام یازدهم که امام حسن عسکری باشند، از اسمش مشخص است که در پادگان‌ها محاصره بودند، چه رسد به کتاب‌هایشان. به علاوه

حاکمان آن زمان بنی امیه و بنی عباس و دیگران بودند که همه مردم دنیا می‌دانند. قدرت در دست تا الان دست اهل سنت بوده و الان دست وهابیت است. ما چطور کتاب آن‌ها را نشان بدهیم؟!

اگر «سید بن طاووس»، «شهید اول»، «شهید ثانی» و دیگران وجود خارجی نداشتند و این مسائل را در کتب خود از ائمه ما نقل نکردند، از چه منابعی نقل کردند؟! آن‌ها صددرصد این مطالب را از کتب آن‌ها نقل کردند. این هم ادعاست که این افراد به کار می‌برند؟!

مخالفین، کتب ائمه اطهار را از بین بردند، زیرا قدرت در دست آن‌ها بوده است. آقای دکتر آیا غیر از این بوده است؟!

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جناب آقای اثنی عشری عزیز! اولاً ما به این افراد جواب نقضی می‌دهیم. ما از رسول گرامی اسلام بالاتر نداریم. آیا رسول اکرم کتابی داشتند و در طول این ۲۳ سال کتاب ۵۰ صفحه‌ای تألیف کردند؟! اگر چنین کتابی بوده است به ما نشان بدهید.

هرگاه شما کتاب پیغمبر اکرم را به ما نشان دادید، ما کتاب ائمه اطهار را به شما نشان خواهیم داد. از این گذشته خلفا ۲۵ سال خلافت کردند. شما کتابی از خلفا به ما نشان بدهید تا ببینیم که ایشان کدام کتاب را تألیف کردند.

### مجری:

شما که دین خود را از آن‌ها می‌گیرید، کتابی از آن‌ها به ما نشان بدهید.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در میان صحابه از جمله «ابوهریره»، «ابو سعید خدری»، «ابن عباس»، «عبدالله بن مسعود» و امثال آن‌ها کتابی به ما نشان بدهید تا ببینیم که آیا آن‌ها کتابی داشتند یا خیر؟! ما خبر نداریم، اگر این افراد کتابی داشتند در شبکه‌های خود به ما نشان بدهید تا استفاده کنیم.

همچنین در میان تابعین اولین ائمه اهل سنت «ابوحنیفه» است که از او به امام اعظم تعبیر می‌کنند. در حال حاضر هم اکثریت مردم کره زمین حنفی مذهب هستند. ایشان متوفای ۱۵۰ هجری است. آقایان کتاب ۵ صفحه‌ای از «ابوحنیفه» به ما نشان بدهند تا ببینیم «ابوحنیفه» که این همه شاگرد داشت و پیروان زیادی دارد کتابی هم تألیف کرده است، یا خیر!!

جواب دیگر این است که ائمه اطهار مطالبی را بیان کردند. به عنوان مثال از امام سجاد (علیه السلام) کتابی به نام «صحیفه سجادیه» در دست داریم. از امیرالمؤمنین کتابی به نام «نهج البلاغه» در دست داریم.

همچنین از امام صادق کتابی به نام «مصباح الشریعة» در دست داریم، از امام حسن عسکری کتابی به نام «تفسیر امام حسن عسکری» است. این کتب بین شیعیان مشهور است.

علاوه بر این ائمه اطهار (علیهم السلام) مطالبی می‌فرمودند و شاگردان آن‌ها مطالب آن بزرگواران را به صورت کتاب درمی‌آوردند.

طبق عبارتی که «مرحوم شیخ حرّ عاملی» دارد، در قاعده چهارم یا پنجم «خاتمة الوسائل» وارد شده است که از زمان امیرالمؤمنین تا امام حسن عسکری اصحاب ائمه بیش از شش هزار و ششصد کتاب تألیف کردند.

گفتنی است از این تعداد کتاب چهارصد کتاب به «اصول اربعمئة» مشهور بود که هرکدام از بزرگان می‌خواستند فتوا صادر کنند و حکم شرعی را بیان کنند به این اصول چهارصدگانه رجوع می‌کردند. «مرحوم کلینی» بیش از بیست سال عمر خود را صرف مَبُوب کردن اصول چهارصدگانه کرد و به صورت «کافی» درآورد. در حقیقت کتاب هشت جلدی «کافی» تبویب شده و منظم شده آن چهارصد جلد کتاب اصلی است که زمان ائمه اطهار تألیف شده بود.

آقای اثنی عشری این اشکال پیش پا افتاده‌ای است، اشکال مهمی نیست.

**بیننده:**

خدا خیرتان بدهد. ان شاءالله که این مطالب را بشنوند و بتوانند جواب بدهند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**



جوابی ندارند، چه جوابی بدهند!

**بیننده:**

جواب افاضات خودشان را بدهند. خداوند خیرتان بدهد، ان شاءالله خداوند به حق محمد و آل محمد سایه شما را از سر شیعه کم نکند.

**مجری:**

آقای اثنی عشری از شما ممنونم. از اینکه لطف فرمودید همراهی کردید و سؤال مطرح کردید جزاک الله، ان شاءالله. به لحظات پایانی برنامه زنده «حبل المتین» رسیدیم. از توجه و عنایات تک تک شما دوستان خوب بیننده و همراهان این برنامه خیلی ممنونم.

برخی از دوستان پشت خط بودند یا سؤالاتی به صورت پیامکی پرسیده شد که فرصت نشد پاسخ بدهیم، ان شاءالله بتوانیم در برنامه بعد جبران کنیم. حضرت استاد دعا بفرمایید که حسن ختام برنامه امشب ما باشد.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

خدایا تو را به اسماء حسنایت، به آبروی اولیائت مخصوصاً به آبروی حضرت فاطمه زهرا مضطره بین در و دیوار، به مضطرات کربلا، به مضطر زیر پای اسب دشمن و آخرین نفس سیدالشهداء سوگند می دهیم فرج مولا و سرور و تاج سر ما بقية الله الأعظم را نزدیک بگردان.

خدایا قلب نازنین حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) را با ظهورش مسرور بگردان. خدایا قلب آن حضرت را از ما راضی و خوشنود قرار بده. خدایا ما را مشمول عنایات ویژه آن بزرگوار قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت مندان، حوائج این حقیر، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز به ویژه ولایت یاوران عزیز را برآورده نما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از نگاه‌های مهربان شما دوستان عزیز بیننده خیلی ممنونم. ما را از دعای خیرتان فراموش نکنید. زیر سایه حضرت مرتضی علی و در پناه حضرت حق باشید. خدانگهدار